

نگاهی به راهبردهای
ارزشی پیامبر (ص)
در مسیر وحدت اسلامی

حسین حسینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگاهی به راهبردهای ارزشی پیامبر در مسیر وحدت اسلامی

نویسنده:

حسین حسینی

ناشر چاپی:

مشکوه

فهرست

۵	فهرست
۶	نگاهی به راهبردهای ارزشی پیامبر در مسیر وحدت اسلامی
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	راهبردهای ملی و مذهبی
۶	ایجاد وحدت ملی و همبستگی ایمانی
۷	پیوند روح اخوت و برادری
۹	راهبردهای قومی و میهنی
۹	نفی نژاد پرستی و قومیت گرایی
۱۱	نقش بیت‌الله
۱۱	راهبردهای اجتماعی و فردی
۱۲	حمیت عربی و حس مشترک
۱۳	آداب اخلاقی
۱۳	امت اسلامی و وحدت دینی
۱۵	نتیجه گیری
۱۵	پاورقی

نگاهی به راهبردهای ارزشی پیامبر در مسیر وحدت اسلامی

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۷۸-۱۵۷۴۳

سرشناسه: حسینی حسین عنوان و نام پدیدآور: نگاهی به راهبردهای ارزشی پیامبر اکرم در وحدت اسلامی حسینی حسین منشا مقاله: مشکوه ش ۶۰، ۶۱، (پاییز، زمستان ۱۳۷۷): ص ۱۹ - ۳۸.

توصیفگر: وحدت اسلامی توصیفگر: جامعه اسلامی توصیفگر: محمد(ص)، پیامبر اسلام توصیفگر: وحدت ملی توصیفگر: مسلمانان توصیفگر: یهودیان توصیفگر: تاریخ اسلام توصیفگر: قرآن توصیفگر: نژادپرستی توصیفگر: ملی‌گرایی قومی توصیفگر: اعراب:

مقدمه

عنوان «راهبردهای ارزشی و اجتماعی به بررسی نقش و تاثیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در به کارگیری عامل «وحدت اسلامی به عنوان یکی از ابزارها در جامعه اسلامی آن زمان می‌پردازد. در یک تقسیم‌بندی کلی نقش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پایه‌گذاری وحدت امت اسلامی شامل سه مطلب بنیادین می‌شود: نخست تلاش در وضعیت جامعه عربی آن زمان و به کارگیری عوامل «سیاسی جهت زمینه‌سازی‌های لازم، سپس برنامه‌ریزی‌های «فرهنگی در مسیر ترسیم دورنمای امت واحده برای مسلمانان و ایجاد فضای رشد فکری و ارتقای فهم مردم نسبت به مسؤولیت‌های خود و در نهایت، به کار بستن راه‌حلی‌هایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آنها به عنوان ابزار تحقق وحدت بهره می‌گرفت. این چنین راهبردهایی را می‌توان تحت عنوان «دعوت ارزشی پیامبر صلی الله علیه و آله بر شمرد که پاره‌ای از آنها شامل «راهبردهای ارزشی ملی و مذهبی»، «راهبردهای ارزشی قومی و میهنی و نیز «راهبردهای ارزشی اجتماعی و فردی خواهند بود. و اینک به هر بخش اشاره‌ای گذرا خواهیم کرد.

راهبردهای ملی و مذهبی

ایجاد وحدت ملی و همبستگی ایمانی

ورود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه همراه با عقد قراردادهایی بین گروه‌های گوناگون بود. این پیمان‌ها را می‌توان یکی از بارزترین شواهد به کارگیری رهیافت وحدت اسلامی در جامعه آن زمان شمرد. پیمان‌نامه عمومی مدینه: یکی از مهمترین این پیمانها، اولین قراردادی بود که بین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و طوایف و قبایل موجود یثرب بسته شد و بعضی آن را «نخستین قانون اساسی مکتوب جهان دانسته‌اند. این تدبیر بهترین مقوله برای به وجود آوردن وحدت ملی و همبستگی دینی بود چرا که وحدت میان قبایل درگیر، حقوق اجتماعی یهودیان و نیز مهاجران مسلمانان را تضمین می‌کرد و از سوی دیگر، این پیمانها مقدمات تشکیل یک وحدت سیاسی و حکومتی را فراهم می‌آورد. به عنوان نمونه در مفاد قرارداد بین مسلمین بروشنی قید شده بود که مسلمین امت واحده‌ای، جدای از مردم دیگر هستند: (انهم امه واحده من دون الناس)، و ارتباطی بین مسلمانان و کافران نیست و دوری بین مسلم و مسلم نباید باشد. اگر چه روح حاکم بر این پیمانها همانا به کارگیری ابزار وحدت اسلامی در جهت راهبرد ارزشی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جامعه اسلامی است و از همین رو تمام زموارد آن مصداق این امر قرار دارند، ولی به بعضی از آن موارد اشاره می‌کنیم: [۱]. - مسلمین در برابر ظلم و تجاوز و توطئه و فساد با هم متحد خواهند بود. - هیچ مؤمنی بدون

اشاره سایر مؤمنان در جهاد فی سبیل الله صلح نمی کند و صلح جز برای همگان اجرا نخواهد شد. - تمامی گروهها (که به جنگ مشغول اند) به ترتیب وارد جنگ خواهند شد و جنگیدن به یک گروه (دومرتبه پشت سرهم) تحمیل نخواهد شد. - «ذمه الله نسبت به همه افراد یکسان است. - اگر اختلافی بین مسلمین بروز کرد، مرجع حل آن خدا و رسول خواهند بود. - مسلمین، فرد مقروض و مدیونی را که دین او سنگین است رها نخواهند ساخت، بلکه او را کمک می کنند. و در قسمت دیگری از این عهدنامه تاریخی که طرف خطاب آن یهودیان مدینه بودند، اموری پیشداوری شد که توجه به مفاد آن حاکی از انگیزه تحقق وحدت ملی توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است: - مسلمانان و یهودیان امت واحده اند و مانند یک ملت در مدینه زندگی خواهند کرد و هر یک دین خود را دارند. - به یهودیان هم پیمان، همراهی و کمک خواهد شد و متقابلاً وقتی مسلمین آنها را به مصالحه می خوانند، یهودیان باید بپذیرند. - مسلمین و یهود هر دو باید بر ضد کسانی که با این قرارداد به مخاصمه برمی خیزند، مبارزه کنند. - هر دو باید با یاری یکدیگر در برابر مهاجمان به یثرب بجنگند. - هیچ کافری از ناحیه دو طرف اجیر نشود مگر این که به مصلحت هر دو گروه باشد. به هر حال، باید چنین نتیجه گرفت که کوشش برای ایجاد حساسیت مشترک دینی و ملی یکی از شاخص ترین راه حل های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جهت تحقق وحدت اسلامی شمرده می شود. تثبیت وحدت ایمانی: پیامبر صلی الله علیه و آله بعدها نیز در مسیر تثبیت همبستگی ایمانی مسلمین مکرراً بر این موضوع تاکید فرمود. در بخشی از سخنان حضرت پس از فتح مکه و در مسجد الحرام چنین نقل کرده اند که فرمود: «المسلم اخ المسلم والمسلمون هم ید واحد علی من سواهم تکافوا دمائهم یسعی بذنبهم ادناهم». [۲]. ایجاد چنین حس مشترک دینی و پیوستگی مذهبی واحد بین مؤمنان در کلام زیبایی منسوب به حضرت کاملاً مشهور است که: «المؤمنون کنفس واحده». همچون آن یک نور خورشید سما صد شود نسبت به صحن خانه ها لیک یک باشد همه انوارشان چون که برگیری تو دیوار از میان چون نماید خانه ها را قاعده مؤمنان مانند نفس واحدهو البته رمز این پرتو نورانی نیز در روح انسانی و الهی مؤمنان خواهد بود که: جان حیوانی ندارد اتحاد تو میجو این اتحاد از روح بادجان گرگان و سگان از هم جداست متحد جانهای شیران خداست (مولوی)

پیوند روح اخوت و برادری

پیدایش تعلق اجتماعی: در نخستین سال ورود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه یکی از مهمترین ابتکارها و راهبردهای مهم حضرت در به کارگیری عامل وحدت دینی واقع می شود؛ یعنی پیوند (عقد) مواخات بین کلیه مسلمانان اعم از مرد و زن: دو قبیله کاوس و خزرج نام داشت یک ز دیگر جان خون آشام داشت کینه های کهنه شان از مصطفی محو شد در نور اسلام و صفاولا اخوان شدند آن دشمنان همچو اعداد غنم در بوستانوز دم المؤمنون اخوه، به پند در شکستند و تن واحد شدند غوره ای کو سنگ بست و خام مانند در ازل حق کافر اصلیش خواندنی اخی نی نفس واحد باشد اودر شقاوت نحس ملحد باشد او آفرین بر عشق کل اوستاد صد هزاران ذره را داد اتحاد (مولوی) رسول خدا صلی الله علیه و آله در یک مجلس عمومی می فرماید: «تاخوا فی الله اخوین اخوین». [۳]. این پیمان برادری همگانی تنها براساس نفی انگیزه های قومی و قبیله ای و بر محور حق و همکاری اجتماعی شکل گرفت چه این که: «انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم واتقوا الله لعلکم ترحمون». (حجرات ۱۰/۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بین هر مهاجر و یکی از مردم مدینه عقد برادری بست و در یک انگاره تاریخی، حضرت علی را در دنیا و آخرت برادر خود خواند که: «انه منی و انا منه. به هر ترتیب، این تصمیم دایمانه، کارآمدترین ابزار تحقق الفت فراگیر در جامعه آن زمان بود که نشان از همه کوشش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای پیدایش یک تعلق اجتماعی بالنده بر محور ایمان به خدا داشت. محبت الهی پایه تشکیل جامعه آرمانی: جامعه مطلوب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نظامی است که تمامی اعضای آن بر محور دیانت توحیدی، پیوند برادری با یکدیگر دارند و مکلف هستند آن را استوار نگه دارند تا خداوند عزیز حکیم نیز زمینه های الفت و وحدت دلها را (به

قدرت خود) پایدار سازد و بدین سان پایه‌های تفاهم اجتماعی جامعه اسلامی محکم گردد: «وان یریدوا ان یخدعوك فان حسبك الله هو الذی ایدك بنصره وبالمؤمنین - والف بین قلوبهم لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم و لكن الله الف بینهم انه عزیز حکیم.» (انفال/ ۶۲ و ۶۳) براساس مفاد آیات الهی اولا بدون تحقق الفت اجتماعی نمی‌توان سخن از جامعه کرد؛ ثانیاً تحقق این امر تنها به ست‌خداست، ثالثاً مؤمنان نیز قادرند شرایط و زمینه‌های وحدت اجتماعی را فراهم آورند. [۴]. کلام راستین خداوند پیرامون مسأله برادری قبایل یثربی نیز بس گویاست «واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا واذکروا نعمه الله علیکم اذ کتتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا...» (آل عمران/ ۱۰۳) جامعه آرمانی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله که در آن روح اخوت و برادری موج می‌زند، جامعه‌ای است که در شدت بر کفر و رحمت به ایمان، حول یک محور، وحدت می‌یابند، یعنی: «محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم». (فتح/ ۲۹) جامعه‌ای که مانند پیکره‌ای واحد است و تمام افراد آن در ارتباطی وحدت‌بخش با یکدیگر پایدار می‌مانند و روح عشق و ایمان مذهبی در تار و پود آن جریان دارد: «مثل المؤمنین فی توادهم و تراحمهم و تعاطفهم کمثل جسد واحد اذا اشتکی منه عضو تداعی له سائر الاعضاء بالسهر والحمی». [۵]. بهره‌وری از ظرفیت‌های اجتماعی: در نتیجه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله با طرح پیمان برادری انصار و مهاجران، از ظرفیت خاص چارچوب اجتماعی جامعه عربی (که حمایت از هم‌پیمانان خود بوده) در جهت اهداف تحقق امت واحده بهره برد و این موفقیت بارز پیامبر صلی الله علیه وآله نه تنها باعث تعجب افرادی چون ابوسفیان شد، که حتی آثار و پیامدهای این مساوات اسلامی تا مقدم داشتن اموال و دارایی‌ها نسبت به یکدیگر پیش رفت. مورخان نقل می‌کنند که در جریان برادری مهاجر و انصار، پیمانی بسته شد که شامل مشارکت در میراث هم بود و در همین راستا رویداد تقسیم غنایم جنگی «بنی‌النضیر» از بهترین نمونه‌هاست. به هر حال، سراسر وقایع تاریخ اسلام گویای شواهدی است که نقش پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را در جلوگیری از افتراق صفوف مسلمین و متقابلاً بهره‌بری ابزار وحدت اسلامی نشان می‌دهد و این دستور آشکار قرآن بود که: «ولا تکنوا کالذین تفرقوا و اختلفوا...» (آل عمران/ ۱۰۵) تلاش پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در ایجاد وحدت به اوج کوشش‌های ممکن، می‌رسد و چون آرمان وحدت را یکی از رسالت‌های الهی بعثت خود می‌داند و رنج تفرق مؤمنان بر او گران می‌آید و سخت مهربان و هواخواه آنان است، پس در این راه تمام توان خود را به کار می‌برد که: «لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علی ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم». (توبه/ ۱۲۸) و شاید به همین دلیل است که خود می‌فرماید: «ما اودی نبی مثل ما اودیت». [۶]. راهکار سازگاری و همدلی: موضوع «اصلاح ذات‌البین و سفارشها و موضعگیری‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله پیرامون آن نیز، در ردیف راهکارهای ایجاد برادری قرار می‌گیرد: «... و فی الخبر عن ابی ایوب قال: قال رسول الله صلی الله علیه وآله: یا ابا ایوب الا- ادلکک علی صدقه یحبها الله و رسوله قال: بلی. فقال رسول الله: تصلح بین الناس اذا تفاسدوا... و فی راویه سعی فی صلاح ذات‌البین اذا تفاسدوا و تقرب بینهم اذا تباغضوا». [۷]. و نیز نقل شده که درباره آیه اخوت از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله پرسش کردند، فرمود: مزد آن کس که در برقراری آشتی میان مردمان بکوشد برابر مزد کسی است که در راه خدا پیکار کند. [۸]. بدین ترتیب یکی از این شیوه‌ها را در تصمیمی که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله مبنی بر «اصلاح ذات‌البین در مورد تقسیم غنایم جنگ بدر می‌گیرد، مشاهده می‌کنیم. قطعاً فقدان قانون خاص تقسیم غنایم و نیز عدم آمادگی تربیتی و اخلاقی کامل مسلمانان آن دوره، عواملی بود تا در وحدت پویای جامعه اسلامی ایجاد خلل کند. از این رو، پیامبر صلی الله علیه وآله مأمور به اصلاح امور و حفظ یکپارچگی ملت می‌شود و مؤمنان نیز موظف به رعایت همدلی و تبعیت از رسول اکرم صلی الله علیه وآله که: «فاتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم و اطیعوا الله و رسوله ان کنتم مؤمنین». (انفال/ ۱) پیامبر صلی الله علیه وآله به گونه‌ای اختلاف‌زدایی می‌کند که شقاقی (هر چند ناچیز) در پیکره وحدت دینی مسلمین سر برنیارود؛ چنان که مورخان نقل کرده‌اند، پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله حتی برای گروهی هم که در جنگ حاضر نبودند سهمی از غنیمت قرار می‌داد. [۹]. جالب توجه است که پیش از آغاز جنگ بدر، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله با وجود اعلام حمایت عده‌ای

از مهاجران، در انتظار اعلام رضایت انصار مبنی بر آمادگی جهاد نبرد با دشمن است، چون محتوای قرارداد انصار با پیامبر صلی الله علیه و آله درباره دفاع از حضرت در داخل شهر مدینه بود و نه همراهی در جنگ‌های خارج، لذا پیش از حرکت به دنبال رای و نظر انصار بود و پس از اطمینان از یاری آنان آماده کارزار می‌گردد. این امر در واقع نشان از اهتمام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به رعایت سنت‌های اجتماعی و ملاحظه شرایط خاص سیاسی زمان دارد. [۱۰]. تفوق به جای تفرق: رویداد دیگری که در جریان جنگ احد شاهدیم دستوری است که قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دهد مبنی بر عدم ملامت پاره‌ای مسلمانان به سبب فرار از جنگ و در برابر، بخشودن آنها و سعی در امیدوار ساختن و همکاری به گونه‌ای که جذب جامعه اسلامی شوند و در مسیر اصلاح و تربیت روحی قرار گیرند: «فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم فی الامر...» (آل عمران ۱۵۹) قطعاً یکی از ریشه‌های اصلی چنین تصمیم‌پسندیده‌ای، همخوانی با وحدت و یکپارچگی سیاسی امت اسلام بوده است تا از این طریق پیشاپیش زمینه افتراق بین گروه‌های مسلمان (به علت طرد افرادی از مبارزین که در جریان جنگ دچار خطا و تخلف شدند) و سایر اقشار جامعه، محو شود. در همین جنگ است که به نقل تاریخ جوان مسلمان ایرانی پس از وارد آوردن ضربه‌ای بر افراد سپاه دشمن می‌گوید: «خذها و انا الغلام الفارسی (این ضربت را تحویل بگیر که منم یک جوان ایرانی) اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را خطاب و عتاب نمود که چرا نمی‌گویی منم یک جوان انصاری؟! و منظور آن است که به این وسیله هم، آهنگ برانگیخته شدن تعصبات قومی دیگر را خاموش، و وحدت صفوف اسلام را حفظ کند و هم، ملاک افتخار و ارزش را از محور قوم و نژاد و ملیت به دین و مکتب و ارزشهای توحیدی بازگرداند. بدین سان حضرت از هر عاملی برای نگهداری تفوق اجتماعی و جلوگیری از تفرق استفاده می‌کرد و حتی در جریان تخریب مسجد ضرار! حفظ وفاق ملی: سیاست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ویران کردن مسجد ضرار دقیقاً به قصد ایجاد یک مانع مؤثر برای جلوگیری از ظهور شکاف سیاسی در جامعه اسلامی بود تا پیاپی، وفاق ملی آسیب نبیند. یک مثال دیگر اندر کژروی شاید از نقل قرآن بشنوی این چنین کژبازی می‌باختند مسجدی جز مسجد او ساختند فرش و سقف و قبه‌اش آراسته لیک تفرق جماعت خواسته قصدشان تفریق اصحاب رسول فضل حق را کی شناسد هر فضولیر این اساس، پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله حتی در آخرین سفارشهای خود به امت اسلامی نیز چنین می‌گوید: «ایها الناس، ان دماءکم و اموالکم علیکم حرام الی ان تلقوا ربکم، کحرمة یومکم هذا، و کحرمة شهرکم هذا...» و نیز در آخر خطبه دارد که: «... ایها الناس اسمعوا قولی و اعقلوه، اعلموا ان کل مسلم اخ للمسلم و ان المسلمین اخوة.» [۱۱].

راهبردهای قومی و میهنی

نفی نژاد پرستی و قومیت گرایی

یکی دیگر از راه‌حلهایی که پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در مسیر بنیانگذاری وحدت امت اسلامی به کار می‌گرفت، نفی نژادپرستی، قومیت‌گرایی و تبعیض‌های ناروا و ناپسند بود. شکستن ارزشهای جاهلی: مبارزه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با برده‌داری آن زمان که همراه افزایش تدریجی قدرت سیاسی و اجتماعی حضرت با قاطعیت روزافزونی نیز توأم بود، بهترین شاهد است. این جنبش، بخشی از حرکت‌های عدالت‌خواهی پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر ظلم آشکار آن دوره به شمار می‌آید چرا که حضرت به دنبال تاسیس جامعه فلاح‌پسند دینی و پایه‌گذاری حزب رستگاران است که: «الا ان حزب الله هم المفلحون (مجادله ۲۲) و نیک، از قرآن آموخته که فلاح و سعادت با ظلم و شقاوت قابل جمع نیست: «.. انه لا یفلح الظالمون . (انعام ۳۵) یکی از تلاشهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دوره ابتدایی حضور ده ساله مکه مکرمه، گسستن مبانی نظام ارزشی حاکم بر جامعه جاهلی آن زمان بود. در بافت پیوندهای عشیره‌ای زبردگان و کنیزکان بدون اذن صاحبان خود، حق هیچ‌گونه تصمیم‌گیری مستقل

و یا اظهار مشارکت اجتماعی خاص نداشتند. اجازه بردها در پذیرش یا عدم پذیرش معتقدات دینی خویش نیز به دست خود آنان نبوده است. دعوت فرهنگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به توحید، و نیز دعوت ارزشی حضرت به ایجاد تعلق دینی و حب اجتماعی توحیدی، سبب شد تا زمینه شکستن چنین تبعیض‌های ظالمانه‌ای فراهم گردد، معیارهای جاهلی روابط نسبی از بین رفته و در نهایت افراد، بدون وابستگی قومی و قوم‌گرایی به دین جدید بگرایند چرا که: «لا عصبیه فی الاسلام». حاصل توفیق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در به کارگیری این راه، مسلمان شدن افرادی از عشیره‌ها و قبایل متعدد مشرکین و تمرد آنان از قوانین نظام قبیله‌ای و سپس، پیوستن به صفوف مؤمنان بود. این روش، علاوه بر تاثیرگذاری «ارزشی و اجتماعی یعنی ایجاد یاس و وحشت در دل مشرکان و ویران شدن اصول ارزش حاکم، زمینه‌ای برای زایش نظام اجتماعی جدید پدید آورد. ارزش مساوات توحیدی: بعدها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قالب فرمان، ارشاد یا نصیحت، مسلمانها را رهنمون به آزادسازی بردگان می‌سازد و خود نیز چنین می‌کند و این فرمان «خدای بود که ایمان به خود و آخرت و پیامبران را با بخشش مال در جهت آزادی انسانهای دیگر همسنگ می‌داند: «... ولكن البر من آمن بالله واليوم الآخر والملائكة والكتب والنبيين واتى المال على حبه ذوی القربى و... وفى الرقاب و...» (بقره / ۱۷۷) حضرت، افرادی مانند «زید بن حارثه را فرمانده سپاه اسلام، «بلال حبشی را مؤذن ویژه قرار می‌دهد و از «سلمان فارسی ایرانی تجلیل می‌کند و به او مقام و منزلت والا می‌بخشد تا به این ترتیب هم با تبعیض‌های موجود به مبارزه برخیزد: «من اعتق مؤمنا اعتقه الله العزيز الجبار...» (و هم بتدریج ارزش تقوا را ملاک منصب‌ها و منزلت‌های اجتماعی، معرفی نماید که: «ان اکرمکم عندالله اتقیکم...» (حجرات / ۱۳) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آشکارا اعلام می‌کرد آن غلام حبشی و این سید قریشی (هر دو) در نزد من یکسان هستند و بدین سان آن حضرت را منادی به حق مساوات توحیدی دانسته‌اند. چه این که: «کلکم لآدم و آدم من تراب لیس لعربی علی عجمی فضل الا- بالتقوی . [۱۲]. به هر حال رعایت تساوی و عدالت توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که دقیقا در برابر ظلم و تبعیض‌های رایج قرار داشت، از مؤثرترین راهکارهای ایجاد وحدت اسلامی در جامعه آسیب‌دیده آن روزگار بود. در متون تاریخی و روایی می‌خوانیم که حضرت تفاوتی بین برده و غیربرده نمی‌گذاشت و خود نیز در اجرای احکام، طعم شیرین حق مساوات و عدالت را به دیگران می‌چشانید که حتی در جمع مسلمانان، جایگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ناپیدا بود و هر زمانی در مجلس می‌نشست افراد ناشناس بسادگی نمی‌توانستند حضور رسول الله صلی الله علیه و آله را نزد مردم بیابند. اوج درخشش این مساوات‌طلبی حتی در چشمان مبارک رسول رحمت نیز نمایان بود که: «کان رسول الله یقسم لحظاته بین اصحابه، ینظر الی ذا وینظر الی ذا بالسویة . [۱۳]. البته شکی نیست که همه این آداب الهی در جلب حمایت توده مردم بسیار مؤثر بوده است. حضرت در یک تمثیل گویا می‌فرماید: «ان الناس من عهد آدم الی یومنا هذا مثل اسنان المشط لا فضل للعربی علی العجمی ولا للاحمر علی الاسود الا بالتقوی.» [۱۴]. این سیره با درایتی خاص و تدبیری موشکافانه در دوران حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز دنبال می‌شود تا همواره نقش خود را به عنوان یکی از ابزارهای ارزشی وحدت‌ساز ایفا کند. پیامبر صلی الله علیه و آله درصدد است تا همه پایه‌های نابرابری‌های جاهلی را از میان بردارد و بازگشت به عهد جاهلیت و پسند احکام غیرالهی را ناممکن سازد که: «افحکم الجاهلیة بیغون...» (مائده / ۵۰) رسول الله صلی الله علیه و آله خود، آغازگر این حرکت بزرگ اجتماعی - ارزشی است و از هر رخدادی در جهت القا و تثبیت روح مساوات و عدالت انسانی در جامعه نوپای آن زمان بهره می‌برد. در جایی به زیبایی تمام می‌فرماید: «ان الله یکره من عبده ان یراه ممیزا بین اصحابه . [۱۵]. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت: نفی قومیت‌گرایی و هر نوع تعصب ناپسند جاهلی، همیشه مدنظر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بوده است و هشدارهای حضرت نیز به کسانی که حسب و نسب را ملاک افتخارات و ارزشها می‌دانستند، در تاریخ اسلام ثبت شده است: «سلمان فارسی در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود. عده‌ای از بزرگان اصحاب نیز حاضر بودند و سخن از اصل و نسب به میان آمد هر کسی درباره اصل و نسب خود چیزی می‌گفت تا این که از سلمان سؤال کردند... او گفت: انا سلمان بن عبدالله، کنت ضالا فهدانی الله عزوجل بمحمد، کنت عائلا

فاغانی الله بمحمد و کنت مملوکا فاعتقنی الله بمحمد. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدند و سلمان گزارش جریان را به حضرت رساند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله به آن جماعت که همه از قریش بودند فرمود: یا معشر قریش ان حسب الرجل دینه و مروثه خلقه و اصله عقله. [۱۶]. همچنین در روایت دیگری، افتخار و فخر فروشی بر محور تعصبات قومی را از آتش جهنم می‌شمارد: «لیدعن رجال فخرهم باقوم انما هم فحم من فحم جهنم...» [۱۷]. در همین ردیف باید بر زندگی بسیار ساده پیامبر عزیز صلی الله علیه و آله اشاره کرد که به نقل امیر المؤمنین علیه السلام حتی اجازه نصب پرده‌ای با نقش و نگار معمولی را بر در خانه خود نمی‌دهد. این امر، بهترین شاهد و عالی‌ترین زمینه برای جذب انسانهای محرومیت کشیده آن زمان و عامل تحقق وحدت دینی بود. به نقل صحابه آن حضرت: «کان رسول الله صلی الله علیه و آله خفیف المؤمنة. زیباترین تعبیر پیرامون نقش ارزشی پیامبران همان است که در نهج البلاغه می‌خوانیم: «مع قناعة تملأ القلوب والعیون غنی و خصاصة تملأ الابصار و الاسماع اذی. [۱۸]. حمایت از محرومین: در جهت نفی تعصبات قومی، خطمشی حمایت از محرومین و بیچارگان نیز قرار دارد. این گروه که عمدتاً بردگانی از مردان و زنانند طبق قوانین حاکم، زیر پوشش حمایتی هیچ قوم و قبیله‌ای نبودند و لذا از کلیه حقوق اجتماعی و سیاسی محروم می‌شدند و به دلیل ساخت سیاسی خاص دوران جاهلی و نیز ناتوانی‌های گوناگون این افراد، امکان پی‌ریزی جامعه‌ای مستقل را هم نداشتند. در چنین شرایطی، مخالفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تبعیض‌ها و قوم‌گرایی‌ها و از سوی دیگر، حمایت از محرومان، سبب جذب این گروه به اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شد و بدین ترتیب گروه کثیری بر محور رسول خدا صلی الله علیه و آله وحدت اجتماعی و سیاسی پدید می‌آوردند. در واقع، محتوای فکری دعوت حضرت در اعلام اصالت تقوا و کرامت انسانی و نیز مقتضای عملکرد او، نقش یک ابزار پویا برای ایجاد وحدت اسلامی نوین را ایفا کرد. این اعلام حمایت و جانبداری که بتدریج دامنه پوشش آن نیز گسترده می‌شد، توانست نیروهای خسته و گریزان، ستم‌دیده و درگیر تردیدهای فکری را به مرکزی واحد هدایت کند و پایه‌های وحدت دینی را استوار سازد.

نقش بیت الله

با نظری به رویدادهای تاریخ اسلام بعضی راه‌حل‌های دیگر نیز به چشم می‌آید که در آنها به نحوی از ظرفیت و مقتضیات موجود جامعه آن زمان در جهت تحقق وحدت اسلامی بهره‌برداری شده است. در این باره تاثیر کعبه مکرمه و کیفیت استفاده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن به عنوان یکی از ابزارهای ارزشی وحدت‌ساز شایان توجه است چه این که: «ان اول بیت وضع للناس للذی بیکه مبارکا و هدی للعالمین. (آل عمران ۹۶) پیامبر صلی الله علیه و آله از موقعیت مکانی مکه و فرصت زمانی ایام حج در مقطعی که تمام مردم جزیره العرب به آن جا می‌آمدند بهره می‌برد تا دعوت توحیدی خود را به مهتران و بزرگان قبایل ارائه دهد. در متون تاریخی نام قبیله‌های «بنی حنیفه»، «کنده»، «بنی صعصعه»، «کلب و دیگران را در فراخوان حضرت می‌بینیم و حتی گرایش مردم یشرب به اسلام هم از طریق همین تدبیر در استفاده از موقعیت خانه خدا و موسم حج بوده است: «جعل الله الکعبه البیت الحرام قیاما للناس. (مائده ۹۷) میزان کارآمدی این عامل در تمایل و کشش توده‌ها به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله به قدری بود که کفار و مشرکان را کاملا در موضع انفعالی قرار می‌داد. آن گونه که پیش از آغاز مراسم برای جلوگیری از شعاع نفوذ پیام نبی صلی الله علیه و آله به مشورت می‌پرداختند تا مناسب‌ترین شیوه‌های تبلیغی و روانی را برای تغییر اذهان مخاطبان و مردم به کار گیرند. شعارهای روانی - سیاسی آنها این بود: «وقالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر انک لمجنون. (حجر ۶) و مهم این است که در تبلیغاتشان، روح تعصب‌های نژادی و قومی موج می‌زد: «ویقولون ائنا لتارکوا الهتنا لشاعر مجنون. (صافات ۳۶)

راهبردهای اجتماعی و فردی

بهره‌برداری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از اخلاق و خصوصیات روحی عرب جاهلی در جهت اهداف توحیدی و بویژه تحقق وحدت اسلامی، یکی دیگر از راهبردهای ارزشی به شمار می‌آید. ظرفیت‌های روحی جامعه آن زمان در تمامی شرایط اجتماعی خاص خود تنیده شده بود و پیوندی مستحکم با پیشینه تاریخی‌اش داشت. سعی پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که قابلیت‌ها را به سمت مطلوبیت‌های مورد نظر هدایت کند و به نوعی، آمیزه‌های اخلاقی نوینی به وجود آورد. بدین سان پیامبر عزیز صلی الله علیه و آله از این امکانات اخلاقی و روحی برای پدیدآوری یک همگرایی دینی و استحکام علائق مشترک اعراب در جهت آرمانهای امت واحده استفاده می‌کند. روحیه تعصب و حمیت عربی، تعهد و وفای به عهد و پیمان، شجاعت و دلاوری یا میهمان‌نوازی، نمایانگر شاخصه‌های اجتماعی اعراب جاهلی شده است: «اذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیة الحمیة الجاهلیة...» (فتح ۲۶) و در همین حرکت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اصلاح و بهسازی ارزشهای حاکم در چارچوب نظام ارزشی اسلام را یکی از کلیدهای رویکرد اتحاد اسلامی می‌داند. به این صورت که تعصب به قوم و قبیله، حفظ و بزرگداشت منزلت عشیره و رؤسا و بزرگان آن و نیز واکنش در حمایت از افراد طایفه (که معمولا به نحو صریح یا ضمنی توأم با گونه‌ای تعهد و پیمان بود) بارها و بارها در تاریخ اسلام سبب حمایت از حضرت در مواضع مختلف و اصولاً زمینه تشکیل اولین وحدت سیاسی و علنی اسلام تلقی می‌گردد. پیامبر صلی الله علیه و آله خود می‌فرمود: «ما نالت منی قریش شیئا اکرهه حتی مات ابوطالب». [۱۹]. به هر حال، چنین بیعت‌هایی نه تنها در محدوده داخلی که بیشتر در تعهد قبایل نسبت به یکدیگر نیز کاربرد داشت و طبق رسوم جاهلی تا زمان اعلام انصراف هم‌پیمان یا هم‌پیمانان به قوت خود باقی می‌مانده است. و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از همین طریق دیگران را دعوت به اسلام می‌کرد و در طول تاریخ مکرر بین حضرت و افراد یا گروهی از یاران، پیمانهای گوناگونی منعقد می‌گردید که تکرار آن حاصلی جز فراگیری دامنه وحدت اسلامی نداشت. شبیه آنچه در «عقبه اولی»، «عقبه ثانیه»، «بیعت در غزوه بدر»، «بیعت رضوان و غیر آنها روی داد. شجاعت و دلیری اعراب که ریشه در وضعیت خاص آن جامعه و نیز مسایل جغرافیایی و طبیعی داشت، هیچ‌گاه به صورت مطلق از ناحیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطرود و مذموم دانسته نشد بلکه این روحیه خاص نیز در مسیر اصلاح و امور پسندیده و صحیح قرار گرفت. و بدون تردید این امر در گسترش حاکمیت سیاسی اسلام که فقط در طی ده سال، بیش از هشتاد غزوه و سریه را در پرونده خود جای داده، تاثیر بسزایی داشته است. حضرت، در جنگهای بسیاری ضمن تجلیل و تمجید از روحیه شجاعت و سلحشوری سربازان اسلام، ارزشمندی آن را در محدوده عبادت و تقوای الهی مورد سنجش و مقایسه قرار می‌داد و بدین سان شیوه تعدیل و تصحیح ویژگی‌های اخلاقی اعراب را برمی‌گزید مانند: «ضربة علی یوم الخندق افضل من عبادة الثقلین از سوی دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله در تقویت و اصلاح روحیه مهمان‌نوازی اعراب نیز می‌کوشد که این نیز سبب جذب فزونی افراد به قلمرو مسلمانان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسلمین را امر به سخاوت و بخشش اموال و انفاق دارایی‌های خود می‌کرد بر مبنای: «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون...» (آل عمران ۹۲) و خود می‌فرمود: «فاحسنوا صحبة السلام بالسخاء...» نیز در دوره اولیه تکون جامعه اسلامی از انصار می‌خواست مهاجران را مورد حمایت قرار دهند و مسلمانان مدنی هم با توجه به همان روحیه خاص اجتماعی، (که اکنون صبغه دینی هم پیدا کرده بود) چنین کردند تا آن جا که برای اسکان مهاجران در خانه‌های خود به قرعه‌کشی روی آوردند: «والذین تبوءوا الدار والايمان من قبلهم یحبون من هاجر الیهم ولا یجدون فی صدورهم حاجة مما اوتوا ویؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصة ومن یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون». (حشر ۹) بدین ترتیب بهره‌بری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از این ظرفیت روحی که با صحنه گذاشتن و تعدیل دینی همراه بود، سبب شد تا وحدت اسلامی، هر روز با اقتدار بیشتری همراه باشد و به مرور زمانی، تسری یابد. البته نزد اسلام، اصل تعدد در ملیت و اقوام نفی نمی‌شود اما ستیزه‌جویی و ایجاد تشنت در وحدت سیاسی و وفاق عمومی جامعه اسلامی نیز مورد قبول نیست. چه این که: «انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل

لتعارفوا...» (حجرات / ۱۳) بدین ترتیب چنانچه تعصب در مسیر پایبندی بر غیر حق و تهی شدن از ارزشهای دینی و انسانی و تنها به صرف تکیه بر قومیت و ملی‌گرایی باشد، مورد پذیرش دین و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیست: «لیس منا من دعی الی عصبیه». [۲۰].

آداب اخلاقی

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله یکی از اهداف عالی رسالت خود را اتمام اخلاق نیک و تکمیل فضایل الهی و اخلاقی انسان می‌داند که: «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق [۲۱] و بر این بنیان یکی از موارد دیگری که می‌توان در زیرمجموعه راهبردهای ارزشی پیامبر صلی الله علیه و آله در جهت ایجاد زمینه وحدت اسلامی یاد کرد، نحوه رفتار فردی و آداب خاصی است که از آن حضرت در متون تاریخی آورده‌اند چه این که: «وانک لعلی خلق عظیم . (قلم / ۴) برخوردارهای پرجاذبه: اخلاق نرم و خوی پر جاذبه رسول حق همواره یکی از مهمترین ابزارهای ارزشی وحدت دینی و فرونشاندن اختلاف‌ها و نزاعها و جذب انسانهای پاک‌سرشت بوده است: «فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک...» (آل عمران / ۱۵۹) رویدادهای تکان‌دهنده تاریخ اسلام آن چنان آشکار و گویاست که هیچ نیازی به ترجمان تحلیلی ندارند چه این که: «الم نشرح لک صدرک (شرح / ۱) یکی از هزاران: فردی به نام «غورث بن الحارث در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیر در دست گرفت و گفت: «من ینجیک منی ، رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الله . لرزه بر اندام او افتاد و شمشیر از دست بینداخت. سپس، پیامبر او را آزاد کرد. همین شخص هر جا می‌رود می‌گوید: «جئکم من عند خیر الناس . [۲۲]. و به واقع عنوان: «اطهر المطهرین شیمه و وجود المستمطین دیمه...» [۲۳] تنها بر او زبینه بود. این سلوک و اخلاق نیکوی الهی است که او را اسوه حسنه و نمونه برتر انسان کامل می‌دانند تا آن جا که محبت معجزه‌آسای او سبب می‌شد مخالفان سرسختش به صف دوستان مؤمن سوق یابند [۲۴] و این آداب الهی، محور جمع و وحدت دلها قرار گیرد. دعوت فطری پیامبر صلی الله علیه و آله جان تشنه هر حق‌خواهی را مجذوب او می‌ساخت و این، نیکوترین ابزار برای دمیدن روح وحدت دینی بود: در دل هر امتی کز حق مزه است روی و آواز پیامبر معجزه‌ستچون پیامبر از برون بانگی زند جان امت در درون سجده کند (مولوی) پیوندهای خانوادگی: در ردیف آداب ویژه پیامبر می‌توان به فلسفه پیوندهای خانوادگی حضرت اشاره‌ای کوتاه کرد. بدون تردید با توجه به جایگاه خاص نظام قبیله‌ای در جامعه آن روز، یکی از آثار اجتماعی این امر ایجاد الفت، پیوند بین قبایل، و وحدت لایه‌های اجتماعی بوده است. این نوع پیوندهای قبیله‌ای (به نوعی) بدیل حلف‌های قانونی و رسمی شناخته می‌شود و پیش از اسلام نیز ازدواج‌های متقابل، دشمنی‌ها را به دوستی تبدیل می‌ساخت. به عنوان نمونه ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با «جویریة دختر حارث از طایفه بنی‌مصطلق بود که مسلمانان، به سبب این خویشاوندی، بقیه اقوام او را آزاد کردند و در نهایت تمام طایفه او به اسلام پیوستند و یا ازدواج حضرت با «صفیه دختر حی بن اخطب یهودی، سردار بنی‌قریظه که پس از اسارت، همسری پیامبر خدا را در برابر آزادی و الحاق به خانواده خود برمی‌گزیند و در آخر، به همراه گروهی از اقوام، اسلام می‌آورند.

امت اسلامی و وحدت دینی

این بحث را با نظری به رسالت امت اسلامی در تداوم رحمت نبوی تا تحقق وحدت اسلامی، به پایان می‌بریم: «وحدت، جوهره قوام، پایداری و حیات هستی است و پیامبران، مامور و سرپرست احیای رحمت مطلقه الهی در دنیای انسانی: برگ و ساز کائنات از وحدت است اندرین عالم حیات از وحدت است (اقبال لاهوری) و محمد خاتم صلی الله علیه و آله، پیامبر وحدت و رسول رحمت: «وجعلنی رسول الرحمة و رسول الملاحم . [۲۵]. رحمت واسعة الهی، با او جریان یافته: «واطیعوا الله و الرسول لعلکم ترحمون

(آل عمران/۱۳۲) و امت بشری حول خاتمیت او گرد می‌آیند: «ما كان محمد ابا احد من رجالكم ولكن رسول الله وخاتم النبيين (احزاب / ۴۰) و با این همه، چشمه جوشان رحمت الهی است که: «فبما رحمه من الله لنت لهم...» (آل عمران / ۱۵۹) ندای وحدت او، صدای وحدت طلبی تمامی انبیای الهی است و این آهنگ شیرین در حلقوم مبارک او به کمال نهایی خود می‌رسد: نام احمد نام جمله انبیاست چون که صد آمد نود هم پیش ماست (مولوی) او آخرین پیامبران از سلسله منادیان رحمت و وحدت الهی است؛ «تقدم در غایت و تاخر در نوبت دارد یعنی: «لولاك لما خلقت الافلاك . پس سری که مغز آن افلاک بود اندر آخر خواجه لولاك بود با محمد بود عشق پاک جفت بهر عشق او خدا لولاك گفت (مولوی) و از این رو، به تمام شاخ و برگ‌های این شجره طیبه؛ رنگ، عطر، و میوه حیات ابدی می‌بخشد و با خاتمیت او، درخت نبوت الهی معنا می‌یابد که: «ما من نبی آدم و من سواه الا تحت لوائی [۲۶] یعنی: «هر چه دارند اولیان و آخرین همه از عکس او دارند و سایه اویند!» (مولوی) آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی آمده مجموع در ظللال محمد (سعدی) و از این پس، امت محمدی او «رأمة مرحومة و «أمة آخرون السابقون ، و نیز، آخرین نخبگانی اند که پذیرای حضور اویند؛ پس به معنی آن شجر از میوه زاد گر به صورت از شجر بودش ولادمصطفی زین گفت کادم و انبیاء خلف من باشند در زیر لوابهر این فرموده است آن ذوفنون رمز نحن الآخرون السابقونگر به صورت من ز آدم زاده‌ام من به معنی جد جد افتاده‌ام (مولوی) و بی‌شک امت محمدصلی الله علیه و آله رسالت گسترش دعوت او را تا توسعه امت واحده الهی در پهنه ارض به دوش دارند چرا که: «کنتم خیر امة اخرجت للناس...» (آل عمران / ۱۱۰) و همانانند که برگزیدگان خدایند و غیر آنان، زیانکاران: «ومن یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الاخرة من الخاسرین (آل عمران / ۸۵) به آرزوی روزی که وحدت اسلامی، راهی برای پیوند جوامع اسلامی، به امت واحده الهی گردد و دعوت «امت با دعوت «خدای ، همسان که: «والله یدعوا الی دارالسلام و یهدی من یشاء الی صراط مستقیم . (یونس / ۲۵) آن افق روشن و درخشان که پیامبر وحدت برای امت عزیز اسلام به زیبایی تمام ترسیم نمود و شایسته: «فطوبی لک یا محمد و لامتک . [۲۷] . طریقی که وحدت امت را زمینه احیای امت واحده می‌دانست چرا که احیاء امت واحده را با جوهره اقامه دین (تقوا و عبودیت الهی) هم‌ردیف شمرده: «... ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون (انبیاء / ۹۲) و از سوی، اقامه دین حق (در سلسله انبیاء) را نیز به وحدت می‌پیوندد: «شرع لکم من الدین ما وصی به نوحا و الذی اوحینا الیک ما وصینا به ابراهیم و موسی و عیسی ان اقیموا الدین ولا تتفرقوا فیه...» (شوری / ۱۳) و بدون تردید استجاب و پذیرش ندای «پیامبر وحدت به وحدت دینی، قبول و احیای حیات ابدی انسانی و الهی امت اوست که: «یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحیکم (انفال / ۲۴) و این دستور قطعی الهی است که: «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و لا تبطلوا اعمالکم (محمد / ۳۳) دستوری که تخلف از آن، تباهی و سیاهی آشکارا، به دنبال دارد: «ومن یعص الله ورسوله فقد ضل ضلالا مبینا». (احزاب / ۳۶) خلاف پیمبر کسی ره‌گزید که هرگز به منزل نخواهد رسید؛ پیوند سعادت که راه صفا توان رفت جز بر پی مصطفی (سعدی) و به این ترتیب «امت واحده، راهی است تا تفوق تمام: «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و کفی بالله شهیدا.» (فتح / ۲۶) و سپس تسری این حقیقت نهفته الوهی به همه وجدان‌های خفته که: «محمد رسول الله (فتح / ۲۹) و در نهایت از حال تا آینده امت واحده فرایندی است به میزان یک اراده جمعی یک تمایل معمولی و نیز صبری استوار و پایدار: «یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر و الصلوة ان الله مع الصابرين (بقره / ۱۵۳) و آن گاه پیامد آب حیات وعده الهی: «فاصبر ان وعد الله حق (روم / ۶۰) این رهیافتی است که به جای مقصد، مسیر، و مایه‌های درونی، بیشتر نیازمند همگرایی اراده و تمایلات وحدت طلبانه مسلمانان جهان حول محور جمع و نظام بخشیدن به آن است. امر حق را حجت و دعوی یکی است خیمه‌های ما جدا دلها یکی استاز حجاز و چین و ایرانیم ما شبنم یک صبح خندانیم ما (اقبال لاهوری) و آینده روشن، از آن مؤمنان مجاهدی است که نور وحدت می‌نشانند و کمال آن می‌افشانند چه این که: «یریدون ان یطفئوا نور الله بافواهم و یابی الله الا- ان یتم نوره ولو کره الکافرون (توبه / ۳۲) و آنگاه خشنود از سپاس الهی: «و رضوان من الله اکبر ذلک هو الفوز العظیم . (توبه / ۷۲)

وحدت امت همواره یکی از آرمانهای دینی پیامبران توحیدی قلمداد می‌شده و بر این بنیان، یکی از محورهای مهم دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز پی‌ریزی شاکله‌های پیدایش آن بوده است. تحلیل رویدادهای تاریخ اسلام گویای آن است که در جهت تلاشهای «سیاسی و فرهنگی حضرت برای تحقق این هدف»، راهبردهای ارزشی نیز کارآیی خاص داشته‌اند تا آن جا که با شناخت دقیق ظرفیت‌های اجتماعی حاکم بر جامعه، ابزارهایی برگزیده شده تا زمینه پذیرش و گرایش همگانی را به سوی ایجاد وحدت امت متمایل گرداند. طرح پیمان‌نامه ملی مدینه بهترین راه برای ایجاد یک وحدت عمومی و القای روحیه همبستگی دینی بود و در همین راستا پیمان ویژه مسلمین، راهکاری مذهبی برای پیوند روح برادری به حساب می‌آمد. استفاده از راهبردهای ملی و مذهبی تنها می‌توانست پایه‌های استواری اجتماعی جامعه را نمایان سازد؛ اما، در این میان مبارزه با نژادپرستی و قوم‌گرایی و یا به کارگیری عاقلانه موقعیت‌ها و مکانهای تجمع عمومی نیز، از جمله راهکارهای قومی و میهنی لازم جهت دستیابی به وحدت طلبی شمرده می‌شد و با این همه، بهره‌گیری پیامبر صلی الله علیه و آله از ظرفیت‌های اخلاق اجتماعی و نیز توان اخلاق فردی، امری قابل توجه است. بدین ترتیب، یکی از ضروری‌ترین راههای پی‌ریزی وحدت دینی در امت بزرگ اسلامی، هماهنگی اراده‌ها و تمایلات ارزشی جوامع بر بنیاد همانند سازی ابزارهای سه‌گانه فوق است؛ یعنی: «راهبردهای ملی و مذهبی»، «قومی و میهنی» و نیز «اجتماعی و فردی».

پاورقی

- [۱] حمیدالله، محمد: اولین قانون اساسی مکتوب در جهان، ترجمه غلامرضا سعیدی، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۶۵، ص ۵۵-۶۴.
- [۲] علامه هندی، علاءالدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۹۸۵م، ج ۱، ص ۱۴۹.
- [۳] آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶، ص ۲۳۵.
- [۴] تفصیل این سخن را در جای خود باید دنبال کرد؛ نگاه کنید: حسینی، سید حسین، «علوم انسانی اسلامی، مبنای تحقق وحدت فرهنگی»، نامه فرهنگ، بهار ۱۳۷۷، شماره ۲۹ و نیز: جزوه درسی «عرفان دینی از همین قلم».
- [۵] روایت پیامبر صلی الله علیه و آله در کنز العمال، جلد ۱، ص ۱۴۹.
- [۶] علامه مجلسی، محمد تقی، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق، جلد ۳۹، ص ۵۶.
- [۷] المیسی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الاسرار و عدة الابرار، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱، جلد ۹، ص ۲۶۷-۲۷۱.
- [۸] حاج سید جوادی و دیگران، دایرة المعارف تشیع، تهران، سازمان دایرة المعارف تشیع، ۱۳۶۶، جلد ۱، ص ۲۴۳.
- [۹] تاریخ پیامبر اسلام، ص ۲۷۲.]
- [۱۰] بهشتی، سید محمد، محیط پیدایش اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷، ص ۱۴۷.
- [۱۱] ابن هشام، ابو محمد عبدالملک: السیره النبویه، قم، انتشارات ایران، ۱۳۶۳، جلد ۴، ص ۲۵۰.
- [۱۲] یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب: تاریخ یعقوبی، لیدن، ۱۸۸۳م، جلد ۲، ص ۱۱۰.
- [۱۳] کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق: الاصول من الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳، جلد ۸، ص ۲۶۸.
- [۱۴] بحار الانوار، جلد ۲۲، ص ۳۴۸.
- [۱۵] مطهری، مرتضی، سیره نبوی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷، به نقل از «هدیه الاحباب داستان روایت را آورده است».
- [۱۶] مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۲، ص ۷۵ و ۷۶.

[۱۷] سنن ابی داوود، جلد ۲، ص ۶۲۴ به نقل منبع پیشین، ص ۷۴.

[۱۸] نهج البلاغه، ترجمه دکتر سیدجعفر شهیدی، تهران، انتشارات سهامی عامل، ۱۳۷۱، خطبه ۱۹۲، ص ۲۱۵.

[۱۹] تاریخ پیامبر اسلام، ص ۱۶۸.

[۲۰] بحار الانوار، جلد ۷۳، ص ۲۸۳.

[۲۱] همان، جلد ۱۶، ص ۲۱۰.

[۲۲] البخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، چهار جلدی، بیروت، دارالمعرفه للطباعة والنشر، بی تا، جلد ۲، ص ۵۳۹.

[۲۳] نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵.

[۲۴] پاره‌ای مورخان داستانی از کافری خشن و معاند نقل می‌کنند که به خانه پیامبر صلی الله علیه وآله به مهمانی رفت و در نهایت با

ایمان خارج شد. این جریان نمونه جالبی از همین تاثیر اخلاقی و الهی خاص پیامبر رحمت است. نگاه کنید: زرین کوب،

عبدالحسین، بحر در کوزه، تهران، علمی، ۱۳۶۷، ص ۱۰۴ و ۱۰۵.

[۲۵] شیخ صدوق، ابوجعفر، معانی الاخبار، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۹۹ ق، ص ۵۱.

[۲۶] بحر در کوزه، ص ۱۱۵.

[۲۷] معانی الاخبار، ص ۵۱.

° ° °